

Anti-arrogance in Imam Khomeini's political thought; based on semantics on arrogance in Tafsir AL-Mizan

Mohammad Sadiq Nosratpanah*
Masood Bakhshi**


Received: 2019/12/02
Accepted: 2020/08/31

Arrogance is one of the Quranic terms that have an important place in Imam Khomeini's political thought, but the semantic and executive organization of this idea has not been discussed by Imam Khomeini. In this article, based on the text-based interpretation method and relying on the Qur'an-Qur'an interpretation method, it is attempted to answer the question "What is the semantic and executive organization of starkness in Imam Khomeini's political thought?" A commentary on the Holy Qur'an, based on the interpretation of al-MizanAllamehTabataba'i, as a contemplative thinker, be explained. Then, along with it, it is shown that the same literature mentioned in the Holy Qur'an has been taken into consideration in Imam Khomeini's political thought, and he has explained its foundations and dimensions in their political thought and practice. Therefore, it is claimed that the semantic and executive organization of arrogantism in Imam Khomeini's political thought and practice is documented in the Holy Qur'an and can be illustrated by the use of al-Mizan's interpretation and explains and illustrates the concept of arrogant Qur'anic literature. The findings show that the dimensions of this issue can be seen in the policy of "supporting the oppressed against the arrogant", "peaceful relations with the non-arrogant" and "continuing the struggle with the arrogant".

Keywords: Anti-arrogance, Arrogance, Oppressed, Holy Qur'an, Oppression, Ruhollah Khomeini, Seyed Mohammad Hussein Tabatabaei, Tafsir Al-Mizan.


* Assistant Professor of Political Thought, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran
(Corresponding author).

nosratpanah@isu.ac.ir

 0000-0002-4324-705X

** Ph.D student in Government management and Policy making , Imam Sadiq University,
Tehran, I.R.Iran.

bakhshi@isu.ac.ir

 3232-2142-0003-000X

دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال شانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۲)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص. ۶۷۱-۶۹۶

استکبارستیزی در اندیشه سیاسی امام خمینی (رحمة الله علیه)؛

با تکیه بر مفهوم‌شناسی استکبار در تفسیر المیزان

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

مقاله برای بازنگری به مدت ۲۲ روز نزد نویسندگان بوده است.

محمدصادق نصرت‌پناه*

مسعود بخشی**

چکیده

استکبار از واژگان قرآنی‌ای است که در اندیشه سیاسی امام خمینی (رحمة الله علیه) دارای جایگاهی مهم است؛ اما سازمان معنایی و اجرایی این اندیشه توسط امام خمینی مورد بحث قرار نگرفته است. در این مقاله با استفاده از روش تفسیر متن‌محور و با تکیه بر روش تفسیر قرآن به قرآن، تلاش شده تا برای پاسخ به سؤال «سازمان معنایی و اجرایی استکبارستیزی در اندیشه سیاسی امام خمینی چیست؟»، بنیان استکبارستیزی و ابعاد استکبارستیزی براساس چارچوب نظری متخذ از قرآن کریم براساس تفسیر المیزان تبیین شود. سپس نشان داده شده که همین ادبیات در قرآن کریم، در اندیشه سیاسی امام خمینی مورد توجه قرار گرفته و ایشان در اندیشه و عمل سیاسی خود بنیان و ابعاد آن را تبیین کرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ابعاد این موضوع در قالب سیاست‌گذاری «حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران»، «روابط مسالمت‌جویانه با کفار غیرمستکبر» و «مبارزه مستمر با مستکبران» قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی: استکبارستیزی، استضعاف، تفسیر المیزان، سیدروح‌الله خمینی، سیدمحمدحسین طباطبایی، قرآن کریم، مستضعف، مستکبر.

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

nosratpanah@isu.ac.ir

0000-0002-4324-705X

** دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گرایش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)،

تهران، جمهوری اسلامی ایران.

bakhshi@isu.ac.ir

3232-2142-0003-000X

مقدمه

بیان مسئله: انقلاب اسلامی اعتقادات مذهبی و معنوی را برای مستضعفان و رهایی آنها از سلطه قدرت‌های استکباری مبنا قرار داد و محور منازعات جهانی را از منازعه میان دولت‌ها، به منازعه میان مستکبران و مستضعفان (روحانی، ۱۳۶۱، ص. ۲۸۲) تغییر داد. لذا بررسی بنیان‌ها و ابعاد این منازعه، مسئله اصلی مقاله حاضر را شکل می‌دهد.

اهمیت: با عنایت به ماهیت انقلاب اسلامی ایران و اندیشه سیاسی امام خمینی، بیان بنیان‌های نظری استکبارستیزی که اساساً دارای ریشه قرآنی است و بعد از دوران حکومت نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و علوی (علیه‌السلام)، فراموش شده بود (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۳، صص. ۱۵-۱۲)؛ موضوعی مهم ارزیابی می‌شود که برای نویسندگان دارای اهمیت نظری است.

ضرورت: با توجه به خاستگاه دینی جمهوری اسلامی ایران و اهمیت اندیشه سیاسی امام خمینی در آن، عدم طرح دقیق مبانی اندیشه سیاسی ایشان می‌تواند راه را بر حاکمیت دیدگاه‌های سکولار هموار کرده و تحقق هر چه بهتر عملکرد جمهوری اسلامی را دچار اختلال کند. بر این اساس ورود به موضوع حاضر دارای ضرورت کاربردی است.

اهداف: هدف اصلی این مقاله، توسعه دانش اسلامی و بومی در موضوع استکبارستیزی و ارتباط آن به سیاست‌گذاری اجرایی است. تقویت گفتمان سیاسی مبتنی بر اندیشه امام خمینی و همچنین تأکید بر رویکرد قرآنی، از اهداف فرعی پژوهش به شمار می‌آیند.

سؤال‌ها و فرضیه: پرسش اصلی این مقاله عبارت است از: سازمان معنایی و اجرایی استکبارستیزی در اندیشه سیاسی امام خمینی چیست؟ پرسش‌های فرعی نیز عبارتند از: بنیان استکبارستیزی در اندیشه سیاسی امام خمینی چیست؟ و ابعاد استکبارستیزی در اندیشه سیاسی امام خمینی کدام است؟ این پژوهش فرضیه‌آزما نیست.

۱. پیشینه پژوهش

علی‌رغم اهمیت موضوع استکبارستیزی و توجه جدی به آن در اندیشه سیاسی امام خمینی، پژوهشی که چرایی و مبانی استکبارستیزی را در اندیشه امام تحلیل کرده باشد، اندک است. پژوهش‌های موجود را از حیث موضوع محوری‌شان می‌توان به سه گروه اصلی تقسیم کرد:

۱-۱. آثاری که به بررسی سیستم عملی استکبارستیزی پرداخته‌اند.

از جمله مهم‌ترین این آثار می‌توان به مقاله‌های حجازی و رحیمی (۱۳۹۶)، و گلستانی (۱۳۷۷) اشاره کرد. در مقام نقد این آثار دو نکته لازم به ذکر است: اولاً. این آثار به بررسی منطق و چرایی استکبارستیزی در اندیشه سیاسی پشتیبان انقلاب اسلامی نپرداخته‌اند؛ و ثانیاً. موضوع این آثار عموماً بررسی عملکرد جمهوری اسلامی ایران است و ریشه‌های دینی و قرآنی موضوع تحلیل نشده‌اند.

۲-۱. آثاری که به بررسی استکبارستیزی در متون دینی پرداخته‌اند.

از جمله این آثار می‌توان به کتاب «استکبارستیزی در قرآن» (فرقانی، ۱۳۸۳) اشاره کرد که موضوع آن نزدیک به محتوای قسمت اول این مقاله است. ولی مشکل اصلی این کتاب نداشتن چارچوب نظری است؛ به نحوی که علی‌رغم جمع‌آوری نسبتاً مناسب آیات مربوط به استکبار و استکبارستیزی در قرآن کریم، از پراکندگی محتوایی رنج می‌برد و در نهایت نمی‌تواند خواننده را با منطق و ماهیت استکبارستیزی آشنا سازد. در همین راستا می‌توان به مقاله طباطبایی و جلالی نوبری (۱۳۹۷)؛ مهدوی و نادری باب اناری (۱۳۹۰) و حاجی صادقی، دهقان و گودرزی (۱۳۹۶) اشاره داشت. در این سه مقاله از منظرهای مختلفی تلاش شده تا به ارائه الگو در موضوع استکبارستیزی پرداخته شود. ولی مشکل مقاله اول نداشتن چارچوب مفهومی مشخص و همچنین گستره بسیار زیاد موضوع مقاله است که در برخی موارد مقاله را به گزارش‌دهی از موضوعات متنوع نزدیک کرده است. مقاله دوم نیز علی‌رغم تدقیق مناسبی که در چارچوب مفهومی صورت داده، به دلیل تمرکز موضوع آن بر قدرت نرم با مقاله حاضر تفاوت محتوایی دارد. مقاله سوم نیز گرچه نهایتاً الگوی مفصل و ارزشمندی را در موضوع استکبارستیزی در قرآن کریم عرضه کرده، که البته دارای نقاط سؤال است، لکن این کار را بر اساس روش تحلیل کمی انجام داده که درصد فراوانی‌ها در آن ملاک است؛ این در حالی می‌باشد که یک موضوع با تکرار اندک ممکن است به لحاظ رتبی اهمیت زیادی داشته باشد. در مجموع این آثار، با مقاله حاضر از حیث روشی تفاوت دارند.

۳-۱. آثاری که به بررسی استکبارستیزی در اندیشه امام خمینی پرداخته‌اند.

در این حوزه دو مقاله نادری باب اناری (۱۳۹۴)، و شیداییان (۱۳۸۶) قابل اشاره است. مقاله اول بر اساس اصول و روش علمی نگارش یافته، ولی چون مبانی را در اندیشه خود امام خمینی و عمدتاً بر اساس مستندات ایشان در صحیفه امام بازخوانی کرده، بنیان قرآنی موضوع را ندیده است. مقاله دوم نیز از حیث روشی مشکل دارد و تحلیلی علمی به شمار نمی‌آید.

نوآوری این مقاله نسبت به آثار پیشین، در ارائه بنیانی قرآنی برای موضوع استکبارستیزی در اندیشه امام خمینی، صورت‌بندی استکبارستیزی در اندیشه ایشان بر اساس مبانی قرآنی، و بالاخره رویکرد و روش محقق است.

۲. چارچوب مفهومی و نظری؛ استکبارستیزی در قرآن کریم

استکبار از جمله مفاهیمی است که در قرآن کریم مورد توجه جدی قرار گرفته و علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان، این موضوع را مهم دانسته و آنرا به تفصیل و در موارد متعدد مورد بررسی قرار داده است. به همین سبب با بررسی تفسیر المیزان و با استفاده از «روش تفسیر قرآن به قرآن» چارچوب مفهومی و نظری مقاله، ارایه می‌شود.

۲-۱. مفهوم استکبار

استکبار از ریشه «ک - ب - ر» و به معنای برتری‌طلبی و امتناع از متابعت حق از روی عناد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۱۷۷) است و مستکبر فرد گردن‌کش و خودبزرگ‌بین (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۸۳۵) است که مستضعفان را استثمار می‌کند. در مقابل استکبار، استضعاف مطرح می‌شود که از ریشه «ض - ع - ف» و به معنای ناتوان‌شمردن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۱۵۴) است. مستضعف نیز کسی است که هم خودش و هم دیگران او را ناتوان می‌شمارند؛ در صورتی که واقعاً این‌گونه نیست (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۸۲۲) ولی در هر دو بُعد ظاهر و باطن دارای ضعف است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۴۷). از نظر قرآن کریم، از روزی که شیطان، از روی کبر، دستور سجده بر آدم را نپذیرفت و از اطاعت امر الهی استنکاف کرد، استکبار شکل گرفت (ص / آیات ۷۴-۸۵) و شیطان آنرا وارد زندگی اجتماعی انسان‌ها کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، صص ۳۴۶-۳۴۵). بدترین معنای استکبار در قرآن کریم، در آیه ۳۱ سوره

جائیه بیان شده که عبارت است از: «نداشتن تمکین در برابر فرمان خداوند و انبیاء الهی» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۷۳). همچنین بنا بر مفاد آیه ۸۷ سوره بقره نیز سرپیچی از فرامین الهی و تکذیب و قتل برخی از پیامبران، به بهانه عدم مطابقت با میلشان، از علائم این معنای از استکبار است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۳۰). پس استکبار، صفتی مذموم است؛ برخلاف استضعاف که بیان کننده وصفی مثبت یا منفی درباره مستضعف نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، صص ۳۲۴-۳۲۳ و ج ۱۰، ص ۵۶۰). مهم ترین مؤلفه های معنایی استکبار در جدول زیر نمایش داده شده است:

جدول شماره (۱): مؤلفه های معنایی استکبار در قرآن کریم

آدرس آیه	مؤلفه معنایی	منبع
قصص/۴	تفرقه افکنی میان مستضعفان و محرومان	طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۷۰
	ترویج مفساد و به فساد کشیدن مردم	
احقاف/۱۲۰ و فصلت/۱۵	برتری جویی و استعلاطلبی	طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۱۴ و ج ۱۷، ص ۵۷۱
زخرف/۵۴	تحقیر مردم	طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۶۶
فصلت/۱۵	گردن کشی در مقابل قدرت نامحدود	طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۷۱
قصص/۷۸	الهی	طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، صص ۱۱۲-۱۱۳
یونس/۱۲	اسراف	طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۹
اعراف/۸۸	سرکوب مخالفان	طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۴۰
زخرف/۵۱	اعتباربخشی به قدرت و دارایی بدون	طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۴۰
قصص/۷۶	توجه به ایمان	طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۴۳۰

۲-۲. تضاد استکبار و استضعاف

در فرهنگ قرآنی رابطه منطقی تضاد بین استضعاف و استکبار وجود دارد که از باب شناخت به ضد، شناخت دقیق تر استکبار را منوط به شناخت استضعاف می کند. مستکبران در فرهنگ قرآنی با ویژگی هایی متعددی شناسانده می شوند. این افراد خود برترین، خود را دانشمند، سیاست مدار و عاقل می دانند که مصالح و سعادت مستضعفان را بهتر از خودشان تشخیص می دهند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۶۱-۶۰). آنها با استفاده از ویژگی هایی نظیر نژاد، زبان، دین، مذهب، رنگ، ملیت، قومیت، کشور، شهر و دیگر عنوان های اعتباری، در میان مستضعفان تفرقه می اندازند تا آنها را تضعیف کنند. مستکبران با ترویج مفساد اخلاقی موجب فراموشی هویت انسانی مستضعفان

می‌شوند تا در برابر خواسته‌هایشان تسلیم شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۳۴). البته مستکبران در اقلیت هستند و نیروی سرکوب‌گر خود را از مستضعفان می‌گیرند و آنها را استثمار می‌کنند. مستضعفان واقعاً ناتوان نیستند، بلکه خود را ضعیف می‌پندارند و نمی‌توانند از قدرت واقعی خود بهره بگیرند و اختلافات درونی و اطاعت کورکورانه آنها از مستکبران که با ادعاهای دروغین مستکبران عجین شده است، آنها را دچار از خودبیگانگی می‌کند. البته ضعف فکری و فرهنگی مستضعفان که در اغلب موارد با ضعف اقتصادی و نظامی نیز همراه است، در تقویت استکبار نقش مهمی دارد (غافر/۴۷). چنین استضعافی دست‌کمی از استکبار نداشته و بنا به شهادت آیات ۳۱ تا ۳۳ سوره سبأ این مستضعفان گمراه که به دلیل تبعیت فکری و فرهنگی، در کفر به خداوند متعال از مستکبران پیروی کرده بودند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵۷۶)، محکوم شده و مورد معاقبه اخروی قرار می‌گیرند. حتی برخی از مستضعفان برای ایمان آوردن، چه به حق و چه به باطل، چشم به مستکبران دوخته‌اند و هر چه آنها بگویند، نیندیشیده می‌پذیرند و پیروی می‌کنند (ابراهیم/۲۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۶۰). ارسال پیامبران (علیهم‌السلام) هم برای بیدارسازی مردم مستضعف بود تا آنها را از قید مستکبران آزاد کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۵۰). لذا مبارزه با طاغوت و دفاع از مستضعفان یکی از مهم‌ترین اهداف ارسال رسولان است.

۲-۳. حکومت استکباری

در این نوع از استکبار کسانی مدنظر هستند که حاکمیت جامعه را برعهده می‌گیرند، بندگان خدا را پست و حقیر شمرده و خود را قیم آنها می‌دانند، آنها را به‌بردگی می‌گیرند و برخلاف تعالیم فطری بر آنها حکم می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۸). قرآن کریم مبین ویژگی‌های حکومت‌های استکباری و شاخصه‌های رفتاری این نظام‌های حکومتی است. حکومت استکباری فرعون و مبارزه موسی (علیه‌السلام) با آن، مقابله ابراهیم (علیه‌السلام) با دستگانه‌نمرو، کارشکنی‌های مشرکان مکه در قبال دعوت و حکومت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و مبارزه فکری و جنگ‌های پیامبر با آنان، مثال‌هایی برای این موضوع است. ویژگی‌های این حکومت‌ها را می‌توان به شرح جدول شماره ۲ فهرست کرد:

جدول شماره (۲): ویژگی‌های حکومت‌های استکباری در قرآن کریم

منبع	ویژگی	آدرس آیه
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۹۲	پیمان شکنی و بی‌اعتنایی به قراردادها	اعراف/۱۳۵-۱۳۴
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۶۳		زخرف/۵۰-۴۹
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، صص ۹-۷	به‌استضعاف کشانیدن دیگران	قصص/۴
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، صص ۵۷۸-۶۷۶		سبأ/۳۳-۳۱
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲ و ۱۶۵	تحقیر	زخرف/۵۲
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۴۱		حجر/۶
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۰۹		دخان/۱۴
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، صص ۳۸۵-۳۸۴	تهدید	شعراء/۴۹-۴۶
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، صص ۲۷۹-۲۷۸		اعراف/۱۲۴-۱۲۳
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۶۵	آزار و قتل مخالفان	یونس/۸۳
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۰۲		اعراف/۱۴۱
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، صص ۸-۷		قصص/۴
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، صص ۳۸۱-۳۸۰		شعراء/۲۹
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۹۷	تفرقه‌افکنی در میان مردم	غافر/۲۵
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۲۸		انبیاء/۷۰
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۸۶		انفال/۳۰
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، صص ۱۳۶-۱۳۵		مدثر/۲۵-۱۸
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۷۳	به‌کارگیری زور و قوه قهریه برای تحقق اهداف خود	یونس/۹۰
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، صص ۲۵۷-۲۵۶		طه/۷۸-۷۷
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، صص ۴۹۹-۴۹۷	ادعای اصلاح طلبی در عین انجام دادن عمل فاسد	غافر/۲۹-۲۶
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، صص ۱۶۳-۱۶۲	تهمت، افتراء و تمسخر حق‌گویان	زخرف/۴۷-۴۶
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۷۲		اعراف/۱۰۹
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۶۰		یونس/۷۸
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۴۵	وارد کردن اتهام فساد به مخالفان	طه/۶۳
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۸۴		اعراف/۱۲۷
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۴۰	منحرف کردن افکار عمومی	طه/۵۷
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۳۶		بقره/۲۵۸
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، صص ۱۶۶-۱۶۴		زخرف/۵۴-۵۱
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، صص ۱۶۵-۱۶۴		زخرف/۵۱-۵۳
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۶۹	تکیه بر ابزارهای مادی	یونس/۸۸

۲-۴. استکبارستیزی

منظور از استکبارستیزی، مجموعه راهکارها و سیاست‌هایی است که برای مقابله با حکومت‌های استکباری از آنها استفاده می‌شود. در قرآن کریم مسئله نبرد حق و باطل که در آغاز هستی ریشه دارد، و سنت‌های الهی در برخورد با استکبار، نشانگر غلبه نهایی استضعاف بر استکبار (شعرا/۲۴) و نشانگر پیروزی جبهه حق در ادوار مختلف است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۲) در نتیجه با آمدن حق، باطل از بین خواهد رفت (اسراء/۸۱ و انبیاء/۱۸) و بر همین اساس در قرآن کریم پیروزی پیامبران و پیروان آنان ذکر شده (مائده/۵۶ و غافر/۵۱) و بشارت پیشوایی زمین به آن‌ها (قصص/۵-۶)، به صورت یک قانون فراگیر و جامع، داده شده است؛ تا چنین تصور نشود که این نوید پیروزی، صرفاً ویژه مستضعفان بنی اسرائیل است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، ص ۱۵ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۰۹). راه‌های استکبارستیزی مستند به دیدگاه قرآن کریم در جدول زیر آمده است:

جدول شماره (۳): راه‌های استکبارستیزی در قرآن کریم

منبع	ویژگی	آدرس آیه
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۰	صبر و پایداری	اعراف/۱۳۷
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۷۰	وحدت	حجرات/۱۰
		آل عمران/۶۴
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۶۷۳	داشتن رهبری صالح و یاورانی صدیق	نساء/۷۵
طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۵۳	برخورد از موضع برتر و تحقیر عظمت‌مستکبران	نساء/۷۶
		یونس/۷۱
		طه/۷۲

۲-۵. ابعاد استکبارستیزی

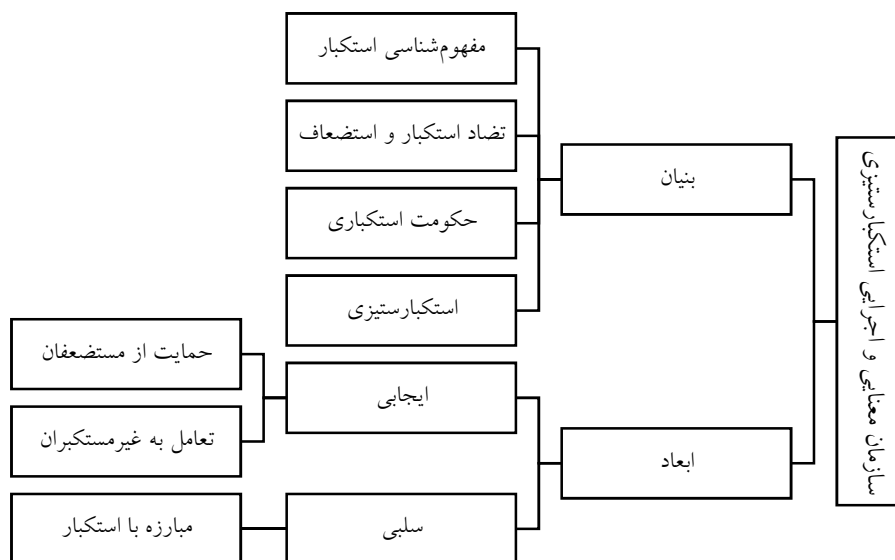
قرآن کریم استکبارستیزی را بنابر فطرت انسانی، یک اصل می‌داند و قیدوبندهای زمانی، مکانی، ملی، قومی یا نژادی را در این خصوص معتبر نمی‌داند. نتیجه استکبار این است که همه چیز انسان‌های دیگر را تحت اراده حاکم متسکبر قرار می‌دهد، تا او به خود اجازه دهد، از هر راهی که می‌تواند انسان‌های دیگر را ملک خود تصور کرده و هر رفتاری را که مایل است با آنها انجام دهد و بدون هیچ قید و شرطی بر تمامی خواسته‌ها و آرزوهای سایر انسان‌ها مسلط شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۹۴). ولی

منطق قرآن کریم متفاوت است و هرگونه برتری افراد بر یکدیگر که منشأ استکباری داشته باشد را نفی می‌کند و فقط تفاوت بر مبنای تقوا را برجسته می‌سازد (حجرات/۱۳ و بقره/۱۴۸)؛ که تشخیص آن با خداوند متعال، و نه مردم است. «استکبارستیزی» به عنوان یک راهبرد دارای دو بُعد اصلی است:

الف. بُعد سلبی که به نقد و نفی و مبارزه مستمر با سیاست‌های حکومت‌های مستکبر ناظر است^۳ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۰۳).

ب. بُعد ایجابی که از دو قسمت تشکیل شده: صیانت، حمایت و همراهی با مستضعفان در برابر مستکبران^۴ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۹۷) و تعامل و داشتن روابط مسالمت‌جویانه با تمامی حکومت‌های غیرمستکبر^۵ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۱۵). با توجه به مبانی قرآنی‌ای که بیان شد، الگوی تحلیلی مقاله به شرح زیر می‌باشد:

نمودار شماره (۱): سازمان معنایی و اجرایی استکبارستیزی در قرآن کریم



۳. روش پژوهش

این پژوهش از نوع بنیادی - توسعه‌ای است؛ زیرا تبیین عمیق‌تر نظریه «استکبارستیزی»

و توسعه ادبیات تخصصی این حوزه را در پی دارد. برای گردآوری داده‌ها از تکنیک اسنادی، و برای تحلیل داده‌ها از روش ترکیبی زیر استفاده شده است:

۳-۱. روش تفسیر قرآن به قرآن

در این روش تفسیری که علامه طباطبایی بر آن تأکید ویژه دارند، قرآن کریم به عنوان بهترین و کامل‌ترین تبیین‌کننده در فهم معانی و اغراض و مبین خود قرآن کریم مطرح است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۸). به همین خاطر معانی آیات قرآن کریم با کمک آیات مشابه که موضوع و محتوای آنها نزدیک به هم است، فهم و تبیین می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۹۶). همچنین هر سوره و هر سیاق آن دارای پیوند معنایی با یکدیگر هستند و قرآن کریم در بیان مقاصد خود دلالت استقلالی دارد (خرمشاهی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۷۷۰). به همین دلیل است که علامه طباطبایی ابتدا مجموعه چند آیه از یک سوره را که سیاق واحدی دارد، ذکر می‌کند و به بیان مفردات، وجوه اشتقاق و مباحث لغوی می‌پردازد؛ سپس در بخش «بیان آیات»، به تفکیک هر آیه، کار تفسیر و تبیین مفاهیم را با کمک آیات مشابه این آیه در سراسر قرآن کریم پی می‌گیرد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۸). محقق در مقام کاربست این روش گام‌های زیر را برداشته است:

گام اول. بر اساس جستجوی کلیدواژه «ک - ب - ر» و مشتقات آن، آیات قرآن کریم حول واژه استکبار استخراج می‌شود. البته برای فهم بهتر مفهوم استکبار، آیات حول مفهوم «ض - ع - ف» نیز استخراج و تحلیل می‌شود.

گام دوم. با مراجعه به تفسیر المیزان ضمن به دست آوردن نکات تفسیری هر آیه، سایر آیات مرتبط نیز بررسی می‌گردد. برای مثال ذیل آیه‌ای که معنای استکبار را بیان می‌کند، به بیان آیات دیگری پرداخته شده که هم به فهم معنای استکبار کمک می‌کنند. این آیات شریفه نیز شناسایی و بررسی می‌شوند.

گام سوم. از ترکیب یافته‌های حاصل آمده، الگوی تحلیل شکل می‌گیرد.

۳-۲. روش تفسیر متن محور

«تفسیر متن محور»، بر اساس میراث اصولی و تفسیری شیعه سازماندهی شده، و می‌توان آن را شاخه‌ای از هرمنوتیک روشی معرفی کرد (نصرت‌پناه و سیفی، ۱۳۹۸). مهم‌ترین

اصول این روش عبارت هستند از: امکان فهم عینی و ثابت و فراتاریخی متن، امکان دستیابی به مراد مؤلف و استقلال معنای متن از مفسر و تفکیک معنای متن از افق معنایی و شرایط و اوضاع مفسر (احمدی، ۱۳۷۵، ص. ۱۶۸)، محوریت «قصد مؤلف» در تفسیر بر اساس معنای اصلی و واقعی‌ایکه در متن وجود دارد (سبحانی، ۱۳۸۵، صص. ۱۵-۱۳)، هدف بودن کشف معنای مقصود مؤلف متن (واعظی، ۱۳۹۰، صص. ۳۳۶-۳۳۵)، حل اختلافات در فهم بر اساس اهداف اصلی گوینده (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۶، صص. ۲۶۸-۲۷۳)، شناسایی محکومات و حمل متشابهاات بر آنها (سعیدی روشن، ۱۳۸۳، صص. ۲۷۳-۲۶۶)، و در نهایت «نص محوری» و «ممنوعیت اجتهاد در برابر نص» (ساجدی، ۱۳۸۳، ص. ۳۵۱). بر این اساس از آنجا که ظهور متن از معنا و مقصود مؤلف پرده برمی‌دارد، «معنای ظاهری نوعی» متن، به واسطه اصول عقلایی حاکم بر زبان معتبر است و ظهور شخصی‌سندیتی ندارد و حمل کلام به تمثیل و رمزی‌بودن نیازمند قرینه یا شاهدهی است (نصرت پناه و درخشه، ۱۳۹۳). با این توضیح تفسیر ارائه‌شده می‌بایست در قالب سه مفهوم اصلی «محکم»، «نص» و «ظهور نوعی متن» صورت‌بندی شود است. برای کاربست این روش گام‌های زیر برداشته شده است:

گام اول. «محکومات» و «نصوص» اندیشه امام خمینی در موضوع استخراج شده است. برای این منظور به تصریح کلام یا متون مستند و معتبر ایشان مراجعه شده است.

گام دوم. واژگان «استکبار»، «مستکبر»، «استکبارستیزی»، «مستکبران» در نصوص اندیشه سیاسی امام خمینی فیش‌برداری شده و بر چارچوب مفهومی و نظری به‌دست آمده از تفسیر میزان، تطبیق داده شده است.

گام سوم. ظهورات کلام ایشان در موضوع، مبتنی بر مبانی، تبیین و ارائه شده است.

۴. تحلیل یافته‌ها

با عنایت به اینکه مبادی اندیشه سیاسی امام خمینی در موضوع استکبارستیزی، بر بنیاد الگوی تحلیلی ارائه شده بر مبنای تفسیر میزان قرار دارد، می‌توان نسبت به تحلیل و استنباط دلالت‌های نظری اندیشه سیاسی امام خمینی در این الگو اقدام کرد.

۴-۱. بیان استکبارستیزی

الف. مفهوم استکبار

امام خمینی مستکبر را کسی می‌داند که با گردن‌کشی مأنوس شده، خدوند متعال را فراموش کرده و خود را برتر از دیگران می‌بیند و برای این برتری‌طلبی از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. لذا با ایجاد نظام‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مستکبرانه دیگران را به استضعاف می‌کشاند و به آنها تعدی و تجاوز می‌کند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۴۸۹). در اندیشه سیاسی امام خمینی حکومت‌های استکباری هرگز جوامع را راحت نمی‌گذارند و با تکیه بر ظاهر دین و عوام‌فریبی در بین مردم مقبولیت یافته و آنها را با خود همراه می‌کنند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۸۱). بر همین اساس وحدت میان مستضعفان برای رهایی از مستکبران ضروری می‌نمایاند: «باید کوشش کنیم که وحدت بین مستضعفان، در هر مسلک و مذهبی که باشند، تحقق پیدا کند که اگر خدای ناخواسته سستی پیدا شود، این دو قطب مستکبر شرق و غرب مانند سرطان همه را به هلاکت خواهند رساند. ما عازم هستیم که تمام سلطه‌ها را نابود سازیم» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۴۲۹).

ب. تضاد استضعاف و استکبار

در اندیشه سیاسی امام خمینی همواره استضعاف و استکبار مقابل هم مطرح می‌شود. در اندیشه سیاسی امام خمینی پیروزی انقلاب اسلامی ایران مرهون مستضعفان (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۸۶) و بقاء آن نیز بر عهده آنها است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، صص ۲۴-۲۵). صاحبان اصلی انقلاب اسلامی ایران، مستضعفان هستند و تحقق عدالت اجتماعی، حمایت از مستضعفان، رفع تبعیض‌های ظالمانه، کم‌کردن فاصله طبقاتی و فقرستیزی، به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف پیامبران (علیهم‌السلام) و پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۴۴۴)، در راستای استکبارستیزی است و وظیفه مسئولان حکومت اسلامی تحقق این آرمان است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۳۴۰). تمایل امام خمینی به ایجاد رابطه برادرانه با مستضعفان (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۳۳-۲۹)، به منظور توجه به تضاد دو مفهوم استضعاف و استکبار است. نامگذاری هفته وحدت (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۳۶) و

تأکید بسیار بر حفظ عظمت کنگره حج تمتع (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۵۱۳) به عنوان نمادهایی کلیدی برای وحدت‌گرایی امام خمینی و تقویت رابطه برادرانه مسلمانان و گذار از اختلافات مذهبی، با هدف تبیین شاخص‌های این تقابل استضعاف و استکبار، انجام شده است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۵). امر به وحدت و برقراری رابطه برادرانه با مسلمانان ریشه در قرآن کریم و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دارد، چراکه عمل به سیره پیامبر جامعه‌ای ایجاد کرد که در مدتی کوتاه ابرقدرت‌های وقت را تسلیم کرد و امام خمینی دغدغه تشکیل چنین جامعه‌ای و بازگشت به عظمت و گذشته اسلام داشت (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۸، صص ۲۶۹-۲۶۸). البته در اینجا همان توسعه مفهومی مطرح شده از تضاد «اسلام و کفر» به تضاد «استضعاف و استکبار» مشاهده می‌شود. بر همین اساس راهبرد «وحدت» در اندیشه و عمل سیاسی ایشان، فقط مسلمانان را دربر نمی‌گیرد و مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش سراسر جهان را هم شامل می‌شود (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۱۳۸). به عقیده ایشان حکم خدای تبارک و تعالی، این اخوت و برادری را ملزم می‌کند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۴۷۷) و برای مقابله با جهان استکبار لازم است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، صص ۳۶-۳۵) و می‌بایست نقشی جدی در وحدت‌بخشی میان مستضعفان جهان (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۱۱۹ و ج ۷، ص ۱۶۴) داشته باشد. از دید ایشان عموم مستضعفان باید به هم پیوندند تا دست استکبار از کشورهایشان قطع شود (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۱۴۴) و هدف از طرح تفکر اسلام ناب و وحدت بین مستضعفان، ترویج اندیشه اسلام ناب، در همه کشورهای جهان (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۱۴۴)، و میان مستضعفانی است در رنجیر مستکبران هستند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۹۶)، زیرا ملت‌های مستضعف، شامل ملت‌های غیرمسلمان نیز می‌شود (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۳۱۱). به همین سبب است که سیاست استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان جهان می‌بایست به موازات با هم پیش برده شود: «ما شریک غم همه مظلومین جهان هستیم، و پشتیبان همه مظلومان جهان. باید مظلومان جهان... قیام کنند بر ضد مستکبرین. مستضعفین نباید بنشینند که دولت‌هایشان این کار را بکنند، خودشان انجام بدهند» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۱۳۹).

پ. حکومت استکباری

حکومت‌های استکباری با برتری‌جویی به فکر تسلط بر جوامع دیگر هستند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۴۴۸). آنها با به‌استضعاف کشاندن دیگر جوامع و با ابزارهای فرهنگی و تبلیغات، هویت، تاریخ و فرهنگ ملت‌ها را به‌نابودی سوق می‌دهند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۳۰۴). این حکومت‌ها با تکیه بر نیروهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی تلاش می‌کنند تا همه‌نوع سلطه استکباری را فراهم سازند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۸۹) که البته وابستگی فرهنگی بزرگ‌ترین وابستگی و سرچشمه همه وابستگی‌ها است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۷۹) که می‌بایست به‌دقت مورد شناسایی قرار گرفته و خنثی شود (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۱۲۱) و راه آن نیز بازگشت به فرهنگ ناب اسلامی است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۵۲۷) که می‌تواند حکومت استکباری را نابود کند: «هان ای مسلمانان جهان! و ای مستضعفان گیتی! آن نظام که برای شما، برای رشد و تکامل شما، برای سعادت دنیا و آخرت شما، برای رفع ظلم و خون‌خواری و چپاول‌گری از مظلومان جهان و برای تربیت و تعلیم انسانی و برای آزادی و استقلال کشورهای شما از جانب خداوند متعال به‌پا شده، نظام‌های الهی است که بالاترین آنها نظام اسلامی است» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۲۴۰).

ت. استکبارستیزی

اندیشه سیاسی امام خمینی، استکبارستیزی را بر اساس نبرد دائم حق و باطل و مستضعف و مستکبر قابل تبیین می‌داند و مبارزه با استکبار، هدف اساسی اندیشه سیاسی امام است. ایشان صلح جهانی را در گرو انقراض مستکبران (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۲۶۱)، و ریشه‌کنی استکبار (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، صص ۲۶۵-۲۶۶) می‌دانست و حتی از قطع رابطه با مظاهر استکبار نیز استقبال می‌کرد (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، صص ۱۶۷-۱۵۹). ایشان صلح با استکبار را بی‌معنا می‌دانست (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۱۶۴) و باورش‌شان به‌حقانیت استکبارستیزی، چنان ریشه‌دار است که می‌فرماید: «اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به‌راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است ادامه می‌دهد» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، صص ۳۱۹-۳۱۸). لذا پیروان اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، می‌بایست از مستضعفان در سراسر

جهان حمایت و دفاع کنند و با مستکبران مبارزه‌ای بی‌امان داشته باشند: «ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. همین وظیفه است که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش تذکر می‌دهد و می‌فرماید: وَ كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (خمینی، ۱۳۷۸، صص. ۲۹-۲۸).

۴-۲. ابعاد استکبارستیزی

ابعاد استکبارستیزی در اندیشه سیاسی امام خمینی منطبق با الگوی قرآنی، عبارتند از:

الف. بعد ایجابی استکبارستیزی

اول. حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران

در اندیشه سیاسی امام به قدرت رسیدن مرفهین، منجر به رواج روح تجمل‌گرایی و منحرف‌کردن نظام اسلامی از مسیر عدالت اجتماعی و حمایت از مستضعفان و مبارزه با استکبار می‌شود و مستضعفان را نسبت به اصل نظام و اهداف انقلاب بدبین می‌کند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص. ۴۲۲). لذا در اندیشه سیاسی ایشان، پیروان اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، خود را موظف می‌دانند که از مستضعفان حمایت کنند و بامستکبران مبارزه‌ای بی‌امان داشته باشند (خمینی، ۱۳۷۸، صص. ۲۹-۲۸) و دفاع از مستضعفان شعار آنها است: «تا به حال یک آخوند درباری یا یک روحانی وهابی را ندیده‌ایم که در برابر ظلم و شرک و کفر، خصوصاً در مقابل شوروی متجاوز و آمریکای جهان‌خوار ایستاده باشد؛ همان‌گونه که یک روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین، لحظه‌ای آرام و قرار داشته باشد و تا سرمنزل جانان علیه کفر و شرک مبارزه نکرده باشد» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص. ۱۲۰). امام خمینی مستضعفان را به وحدت توحیدی دعوت می‌کند تا دست ابرقدرت‌ها و مستکبران را از کشور خود کوتاه کنند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص. ۲۱۱). به همین دلیل است که در اندیشه سیاسی ایشان مسئله فلسطین در راستای حمایت از مستضعفان است. اندیشه سیاسی ایشان مبتنی بر نفی وجود رژیم اشغالگر قدس و عدم هرگونه شناسایی آن دولت، به عنوان یک کیان ظالم و غاصب و استکباری است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص. ۱۳۰). فلسطین، مسئله‌ای قرآنی و انسانی است که با وحدت

(خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۶۶) و مشارکت تمام مستضعفان برای آزادی آن (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۶۶) قابل حل است. چراکه اساساً موجودیت این رژیم خطری برای تمام مستضعفان است: «الآن نزدیک به بیست سال است خطر صهیونیسم بین‌الملل را گوشزد نموده‌ام و امروز خطر آن را برای تمامی انقلاب‌های آزادی‌بخش جهان و انقلاب اخیر اسلامی ایران نه تنها کمتر از گذشته نمی‌دانم» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۷۷).

دوم. روابط مسالمت‌جویانه با غیرمستکبران

در اندیشه سیاسی امام خمینی رابطه مسالمت‌آمیز با غیرمستکبران بر اساس همان اهمیت کلیدی استکبارستیزی در اندیشه ایشان توجیه می‌شود. در اندیشه سیاسی ایشان، جمهوری اسلامی با همه ملت‌های عالم روابط حسنه‌ای دارد (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۸۹ و ج ۶، ص ۲۲۰) مگر اینکه این دولت‌ها دارای خوی استکباری و ظالمانه باشند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۱۵۳). فرستادن سفیر به تمام نقاط جهان و برقراری رابطه با آنها (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص ۳۲۳) از مشخصات حکومت اسلامی‌ای مدنظر امام خمینی بود. لذا داشتن رابطه دوستانه با کشورهای غیرمستکبر و برقراری رابطه انسانی دارای احترام متقابل، اصلی جدی در اندیشه سیاسی امام خمینی است: «این معنی که گاهی اهل غرض یا جهال این حرف را می‌زنند که ما نباید روابط داشته باشیم، از باب این است که یا نمی‌فهمند یا غرض دارند، زیرا تا انسان جاهل یا مخالف اصل نظام نباشد، نمی‌تواند بگوید یک نظام باید از دنیا منعزل باشد... اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می‌خواهد با همه عالم روابط داشته باشد... در هر صورت ما باید روابط داشته باشیم؛ آنها که غرض ندارند، ما هم با آنها غرض نداریم. کم‌کم باید روابط حسنه بشود» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۱۳).

ب. بعد سلبی استکبارستیزی

امام خمینی رابطه مستضعفان با مستکبران را رابطه بره با گرگ (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، صص ۵۹-۵۵) نامید و اساس این تأکید سوءظن ایشان نسبت به توطئه مستکبران برای سلطه بر ایران (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، صص ۲۲۷-۲۲۵) است. این مبارزه در اندیشه سیاسی امام خمینی واکنشی است به استکبارطلبی قدرت‌های بین‌المللی است (خمینی،

۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۲۰). ایشان سرنوشت این مبارزه را روشن دیده و می‌فرمایند: «جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر می‌نماید. گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۴۸۰). مهمترین مصادیق این مبارزه عبارتند از:

مصادیق (۱). مبارزه با آمریکا

امام خمینی از آغاز مبارزه علیه رژیم شاه، تجلی اندیشه قرآنی استکبارستیزی را در حمله به آمریکا به عنوان سردمدار استکبار جهانی قرار داد (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، صص ۱۴-۱۳). ایشان دولت آمریکا و فرهنگ آن را به عنوان نماد و رأس استکبار معرفی می‌کند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، صص ۳۰۳-۳۰۲) و آمریکا را دشمن ملل محروم و مستضعف جهان و ملت ایران (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، صص ۲۲۲-۲۲۱) و «اسلام آمریکایی» را بزرگترین دشمن اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌دانست (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، صص ۱۸۰ و ۲۴۰)؛ زیرا تهدید آن صرفاً با زور و سلاح نبوده و اساساً یک تهدید استکباری فرهنگی و بر ضد ملل مستضعف است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، صص ۲-۱). اعطای لقب شیطان بزرگ به آمریکا (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۱۵۴) نیز بر وجه آشتی‌ناپذیری آن تأکید دارد. پس مبارزه با استکبار آمریکا، یک مبارزه جهانی و با فراخوانی تمام مستضعفان جهان است: «آمریکا دشمن شماره یک ملل محروم و مستضعف جهان است» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۲۱۱).

مصادیق (۲). مبارزه با رژیم اشغال‌گر قدس

مبارزه با رژیم اشغال‌گر قدس عنصر هویت‌بخش اندیشه سیاسی امام خمینی است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۷۷) و ایشان ابتدا مبارزه با رژیم صهیونیستی را واجب شرعی اعلام کرده (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۳۹) و سپس در حمایت از آرمان فلسطین و برای مقابله با آن رژیم، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را «روز قدس» اعلام کرد (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۸۱). همچنین با انعقاد پیمان کمپ دیوید، امام خمینی دستور قطع رابطه با مصر را صادر کرد (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۶۸) و از ملل آزاد جهان خواست تا با شجاعت و آگاهی در برابر این اقدام ایستادگی کنند (خمینی،

۱۳۷۹، ج ۱، ص ۷۷) و دیگر کشورها را از رابطه اقتصادی یا سیاسی با رژیم اشغال‌گر قدس منع می‌کرد: «من الآن را عرض می‌کنم که اگر دولت‌هایی که در خلیج فارس و اطراف خلیج فارس و در جاهای دیگر هستند، اینها یک همچو امری را تصویب کنند و اسرائیل را شناسایی کنند، ملت ما و ارتش ما و سپاه پاسداران ما و اسلام و خدای تبارک و تعالی از آنها نخواهند گذشت» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۴۸۰).

مصدق (۳). برائت از مشرکین

در اندیشه امام خمینی حج، مراسمی عبادی - سیاسی است و مراسم برائت از مشرکان، نماد انزجار مسلمانان از مستکبرانی است که سرزمین مسلمانان را غصب و آنها را آواره و ثروت ملی‌شان را غارت کرده‌اند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، صص ۳۱۷-۳۱۱).

مصدق (۴). صدور حکم ارتداد سلمان رشدی

به تصریح امام خمینی صدور این حکم، در راستای اتحاد در مقابل استکبار بود (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۶۳)، چراکه استکبار از قدرت مسلمانان در مبارزه با توطئه‌های آنها به‌هراس افتاده (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۶۸) و اسلام را یک مکتب بالنده می‌داند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۹۰)؛ لذا مستکبران بر آنند تا این مکتب را از ریشه تضعیف نمایند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۷۷).

با این توضیحات می‌توان دلالت‌های به‌دست‌آمده در اندیشه سیاسی امام خمینی در تطبیق با چارچوب مفهومی و نظری مقاله را در جدول زیر نمایش داد:

جدول شماره (۴): جدول تطبیقی دلالت‌های استکبارستیزی

بخشی از منابع	نمونه مؤیدات در اندیشه سیاسی امام خمینی	چارچوب مفهومی و نظری	
۱۳۷۹، ج ۲۰، صص ۳۱۱-۳۱۷	...درمقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی‌جهت نیست که بوق‌های تبلیغات‌استکباری در سراسر جهان و ولیده‌های بومی آنان تمام توان خود را صرف شایعه‌ها و دروغ‌های تفرقه‌افکن نموده‌اند...	تفرقه‌افکنی	مفهوم استکبار بنیان استکبارستیزی
۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۶۸			
۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۵۱۳	اگر شما کسانی که زیردستان هست ضعیف شمردید و به آن‌ها خدای نخواستہ تعدی کردید، برتری‌جویی کردید، شما هم مستکبر می‌شوید	برتری‌جویی	
۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۱۵۳			
۱۳۷۹، ج ۱۰، صص ۵۵-۵۹			
۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۴۴۸			

بخشی از منابع	نمونه مؤیدات در اندیشه سیاسی امام خمینی	چارچوب مفهومی و نظری		
		تحقیق مردم	ترویج مفاسد	عدم تسلیم در برابر خدا
۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۷۷	امروز این زالوهای جهان‌خوار با فنون مختلف برای تحقیر و شکست مستضعفان جهان قیام و اقدام نموده‌اند. ملت ما و ملل آزاد جهان باید در مقابل این دسیسه‌های خطرناک با شجاعت و آگاهی ایستادگی نمایند.	تحقیق مردم	ترویج مفاسد	عدم تسلیم در برابر خدا
۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۶۸				
۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۱۲۱				
۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۳۰۴	...با قحطی‌ها و مرض‌های پیگیر و درگیری‌ها در سطح کشور و چپاول‌ها و قتل و غارت‌ها و دزدی‌ها و فسادهای اخلاقی و گرفتاری‌های بسیار دیگر که مستکبرین به‌ارمغان می‌آورند دست به گریبان است.	ترویج مفاسد	عدم تسلیم در برابر خدا	عدم تسلیم در برابر خدا
۱۳۷۹، ج ۲، صص ۳۳-۲۹				
۱۳۷۹، ج ۵، صص ۳۸۳-۳۸۲				
۱۳۷۹، ج ۷، ص ۴۸۹	اگر من تسلیم خداوند نباشم، به زیردست‌های خودم، ولو چهار نفر باشد، تعدی و تجاوز کردم و آنها را کوچک شمردم بنده خدا را کوچک شمردم، من مستکبرم و او مستضعف؛ و مشمول همان معنایی است که مستکبرین و مستضعفین هستند.	عدم تسلیم در برابر خدا	عدم تسلیم در برابر خدا	عدم تسلیم در برابر خدا
۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۱۸۰				
۱۳۸۲، ج ۲، صص ۷۲۱-۷۲۰				
۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۸۶	بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند.	تأکید بر تضاد استضعاف و استکبار	تضاد استضعاف و استکبار	تضاد استضعاف و استکبار
۱۳۷۹، ج ۱۶، صص ۲۵-۲۴				
۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۱۳۹	ما شریک غم همه مظلومین جهان هستیم، و پشتیبان همه مظلومان جهان. باید مظلومان جهان... خودشان قیام کنند بر ضد مستکبرین. مستضعفین نباید بنشینند که دولت‌هایشان این کار را بکنند، خودشان انجام بدهند	توسعه مفهومی تقابل اسلام و کفر با استضعاف و استکبار	تضاد استضعاف و استکبار	تضاد استضعاف و استکبار
۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۱۴۴				
۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۱۵۹	برادران و خواهران مسلمان من! آگاهید که تمام منافع مادی و معنوی همگی ما را ابرقدرت‌های شرق و غرب می‌برند؛ آنها به‌هیچ پیمانی متعهد نیستند و ما را در فقر و وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار داده‌اند. به خود آید و شخصیت اسلامی خود را بیابید. زیر بار ظلم نروید.	پیمان‌شکنی	ویژگی‌های حکومت‌های استکباری	ویژگی‌های حکومت‌های استکباری
۱۳۷۹، ج ۱۱، صص ۲۶۶-۲۶۵				
۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۱۰۵				
۱۳۷۹، ج ۱۱، صص ۳۰۳-۳۰۲	ما چنانچه بخواهیم اسلام را پیش ببریم دیگر نباید نوکر باشیم. استکبار ذلت ما را می‌خواهد. ما ذلت را نخواهیم پذیرفت برای خاطر اینکه یک رابطه با یک ابرقدرت داشته باشیم. شرافتی نیست رابطه داشتن با امثال آمریکا.	به‌استضعاف کشانیدن دیگران	ویژگی‌های حکومت‌های استکباری	ویژگی‌های حکومت‌های استکباری
۱۳۷۹، ج ۱۳، صص ۲۲۲-۲۲۱				
۱۳۷۹، ج ۱۶، صص ۲۵-۲۴				

بخشی از منابع	نمونه مؤبدات در اندیشه سیاسی امام خمینی	چارچوب مفهومی و نظری	
۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۱۳	نباید تحت سلطه مستکبران خارجی باشیم، نباید آنها دخالت در امور ما بکنند و نباید به ما خط بدهند.	اجبار دیگران به پذیرش حاکمیت خود	استکبارستیزی
۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۳۴۰			
۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۱۲۰	امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده است، راه ترور و از میان بردن شخصیت‌های دینی و سیاسی را از یک‌طرف و نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام امریکایی را از طرف دیگر به‌آزمایش گذاشته‌اند.	به‌کارگیری قوه قهریه	
۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۷۷			
۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۱۳۰			
۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۳۴۰	آن‌هایی که در خانه‌های مجلل، راحت و بی‌درد آرمیده‌اند و فارغ از همه رنج‌ها و مصیبت‌های جان‌فرسای ستون محکم انقلاب و پابره‌نه‌های محروم، تنها ناظر حوادث بوده‌اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته‌اند و اکنون ادعایشان گوش فلک را پر کرده است، نباید به مسئولیت‌های کلیدی تکیه کنند، که اگر به‌آن‌جا راه پیدا کنند، چه بسا انقلاب را یک‌شبه بفروشند.	ادعای اصلاح‌طلبی در عین فاسدبودن	
۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۳۳۳			
۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۴۲۲			
۱۳۷۹، ج ۱۲، صص ۱-۲	استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه برای ضربه‌زدن انتخاب نمود؛ یکی راه ارعاب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ در قرن معاصر.	تبلیغات و جنگ روانی	
۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۷۸			
۱۳۷۹، ج ۲۱، صص ۹۹-۱۰۰			
۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۲۴۰	اکنون بر ملت شریف و مبارز ایران است که در مقابل تمام توطئه‌ها و شرارت‌ها بایستند... و بدانند که نیروی ایمان پیروز است.	صبر و پایداری	
۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۴۳۶			
۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۴۰۴	امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی‌کردن تبلیغات تفرقه‌افکن‌خانه‌برانداز است. توصیه این جانب به مسلمین و خصوص ایرانیان به‌ویژه در عصر حاضر، آن است که درمقابل این توطئه‌ها عکس‌العمل نشان داده و انسجام و وحدت را خود، به‌هر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند.	وحدت	
۱۳۷۹، ج ۱۸، صص ۲۶۸-۲۶۹			
۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۳۶			
۱۳۷۹، ج ۱۱، صص ۲۶۵-۲۶۶	حکومت اسلامی اگر پیدا شد قطع ریشه ظلم و استکبار است.	داشتن رهبری صالح	
۱۳۷۸، صص ۲۸-۲۹			
۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۵۱۳	باید حجاج محترم کشور انقلاب اسلامی ایران فریاد مجاهدین شجاع و فداکار ملت شریف مجاهد را بر مسلمانان جهان در آن مجمع عمومی	داشتن یاورانی صالح	
۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۱۳۹			
۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۴۴۴			

بخشی از منابع	نمونه مؤیدات در اندیشه سیاسی امام خمینی	چارچوب مفهومی و نظری		
		تحقیق استکبار	حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران	روابط مسالمت‌جویانه با غیر مستکبران
	مسلمین برسانند، و آنان را موظف نمایند که حامل پیام ملت ایران به تمام ملت‌های مظلوم جهان باشند... و به آنان بفهمانند که ملت ایران از تمام مسلمین نه برای مصالح شخصی و منطقی‌ای که برای اسلام استغاثه می‌کند و امروز اسلام گرفتار توطئه‌های جنایتکاران جهانخوار است و اگر مسلمین با پیوند اسلامی، سدی آهنین در تقابل آنها ایجاد نکنند این سیل بنیان‌کن الحاد و کفر و استکبار همه را خواهد برد.			
۱۳۷۸، صص. ۲۸-۲۹	ما نمی‌ترسیم از اینکه آمریکا توطئه کند، یا فرض کنید تهدید کند ما را. ما از تهدید او نمی‌ترسیم، ملت ما هم نمی‌ترسد، آن کسی می‌ترسد که این دنیا را دارِ قراری‌داند.	تحقیق استکبار		
۱۳۷۹، ج ۱۵، ص. ۱۳۰				
۱۳۷۹، ج ۱، صص. ۴۱۳-۴۰۹				
۱۳۷۸، صص. ۲۸-۲۹	ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم.		حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران	
۱۳۷۹، ج ۲۱، ص. ۱۲۰				
۱۳۷۹، ج ۱۵، ص. ۴۷۷				
۱۳۷۹، ج ۱۹، ص. ۴۱۳	این معنی که گاهی اهل غرض یا جهال این حرف را می‌زنند که ما نباید روابط داشته باشیم، از باب این است که یا نمی‌فهمند یا غرض دارند، زیرا تا انسان جاهل یا مخالف اصل نظام نباشد، نمی‌تواند بگوید یک نظام باید از دنیا منعزل باشد...			روابط مسالمت‌جویانه با غیر مستکبران
۱۳۷۹، ج ۷، ص. ۸۹				
۱۳۷۹، ج ۱۸، ص. ۳۲۳				
۱۳۷۹، ج ۱۷، ص. ۴۸۰	امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است			مبارزه مستمر با مستکبران
۱۳۷۹، ج ۲۰، صص. ۳۱۸-۳۱۹				
۱۳۷۹، ج ۱۳، صص. ۲۲۷-۲۲۵				

نتیجه‌گیری

امام خمینی با طرح و احیای اندیشه قرآنی اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) در برابر اسلام آمریکایی و احیای توسعه مفهومی قرآنی تقابل «اسلام و کفر» و جایگزینی آن با اندیشه تقابل «استضعاف و استکبار»، تجربه انقلاب اسلامی ایران را به عنوان راهی برای بسط اندیشه استکبارستیزی قرآنی مطرح کردند. دستور کار ایشان دقیقاً بر اساس چارچوب مفهومی و نظری قرآنی نشان داده شده بر اساس تفسیر

المیزان، اشاره به «مفهوم استکبار» و شناخت «حکومت‌های استکباری» و بیان «راه‌های مقابله با استکبار» و «ابعاد استکبارستیزی» است و آن را از طریق مبارزه بی‌وقفه اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با مظاهر استکبار و اسلام آمریکایی، از طریق اتحاد مستضعفان جهان در مقابل استکبار دنبال می‌کند. در حقیقت، هدف ایشان شناساندن اندیشه اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در میان مستضعفان جهان است.

در اندیشه قرآنی استکبارستیزی دایره شمول وحدت بسیار وسیع است و همه مستضعفان عالم را دربرمی‌گیرد، هر چند شکل کامل اقامه عدالت اجتماعی و مقابله با استکبار و ظلم در جامعه اسلامی است. بر همین اساس ایشان استکبارستیزی را مبنای عمل خود قرار داده است و بر اساس تبیین قرآنی استکبارستیزی، تمام جوامع غیرمسلمان و مستضعف جویای عدالت را که درمقابل ظلم و استکبار ایستاده است، و به دنبال تحقق دولت عادل هستند، مورد تأیید قرار می‌دهند. در اندیشه سیاسی امام خمینی، جوامعی با چنین ویژگی، متحد نظام اسلامی بوده و در جبهه مقابله با اسلام آمریکایی قرار گرفته و در نتیجه می‌بایست در راه مبارزه با استکبار و رفع ظلم از آنها یاری شوند. چرا که این همکاری در راستای تحقق جامعه عادل و برپایی عدل است که از مهم‌ترین اهداف ارسال رسل است و بدون آن، مسیر عبودیت باز نخواهد شد.

یادداشت‌ها

۱. «وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَيْتُمْ طِبْيَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ».
۲. «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا».
۳. «فَإِذَا أُنْسِلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُواهُمْ وَأَخْصِرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه / آیه ۵).
۴. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَكَلَّا نَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَكَلَّا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران / آیه ۶۴).
۵. «لَتَنجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بَأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيَسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (مائده / آیه ۸۲).

کتابنامه

قرآن کریم.

احمدی، بابک (۱۳۷۵). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.

جعفریان، رسول (۱۳۸۳). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام). تهران: انصاریان.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). شمس الوحی تبریزی (سیره عملی علامه طباطبایی). قم: اسراء.

حاجی صادقی، عبدالله؛ دهقان، نبی و گودرزی، محسن (۱۳۹۶). «طراحی الگوی استکبارستیزی

جمهوری اسلامی ایران از منظر آموزه‌های قرآن کریم»، نشریه علمی ادبیات پایدارى. ۶۹،

۳۰۷-۳۳۶.

حجازی، سیدمحمدکاظم و رحیمی، حسن (۱۳۹۶). «انطباق‌پذیری سیاست خارجی دولت‌های

پس از دفاع مقدس با اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی؛ (با تأکید بر اصول

استکبارستیزی، همگرایی اسلامی و منزلت‌گرایی)»، نشریه علمی پژوهش‌های انقلاب

اسلامی. ۶ (۲۱)، ۱۷۳-۱۵۳.

خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۱). دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی. تهران: نشر ناهید.

خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). ولایت قویه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲). *البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). *تحریر الوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- روحانی، سیدحمید (۱۳۶۱). *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*. تهران: انتشارات راه امام.
- ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۳). *زبان دین و قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۱). *فروغ ابدیت*. قم: بوستان کتاب.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۵). *هرمنوتیک*. قم: انتشارات توحید.
- سعیدی روشن، محمداقبر (۱۳۸۳). *تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شیداییان، حسن (۱۳۸۶). «الزامات انقلاب اسلامی در مقابله با استکبار جهانی از نگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری»، *فصلنامه حصون*. ۴(۱۱)، ۶۶-۹۶.
- صالحی شامی، محمدبن یوسف (۱۴۱۴ق). *سبل الهدی والرشاد*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طباطبایی، سیدجعفر و جلالی نویری، حسین (۱۳۹۷). «علل و حوزه‌های استکبارستیزی در گفتمان انقلاب اسلامی»، *فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی*. ۴(۴۴)، ۵۲-۳۷.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان (محمداقبر موسوی همدانی، مترجم)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). *قرآن در اسلام*. قم: بوستان کتاب.
- علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) (۱۳۸۷). *نهج‌البلاغه (محمد دشتی، مترجم)*. تهران: نشر جمال.
- علیخانی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۸۶). *روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- فرقانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳). *استکبارستیزی در قرآن*. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- گلستانی، غلام‌نبی (۱۳۷۷). «انقلاب اسلامی، رستاخیز استکبارستیزی»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*. ۴(۱۵)، ۱۵-۴.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهدوی، اصغرآقا و نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۰). «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۷(۱۴)، ۲۰۴-۱۶۷.
- نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۴). «مبانی و مستندات سیاست استکبارستیزی در دیدگاه امام خمینی»، *فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی*. ۴(۸)، ۱۱۵-۱۳۱.

نصرت پناه، محمدصادق و درخشه، جلال (۱۳۹۳). «کاربرد روش تحلیل هرمنوتیک در مطالعات اسلامی»، جستارهای سیاسی معاصر. ۵ (۱۳)، ۶۲-۳۹.

نصرت پناه، محمدصادق و سیفی، محمدمهدی (۱۳۹۸). «رابطه عدالت و آزادی در حکمت سیاسی متعالیه؛ با تأکید بر آراء علامه طباطبایی»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۵ (۲۹)، ۲۷۰-۲۴۳.

واعظی، احمد (۱۳۹۰). نظریه تفسیر متن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

